

درد «انسان‌شناسی»  
فروماپیگی

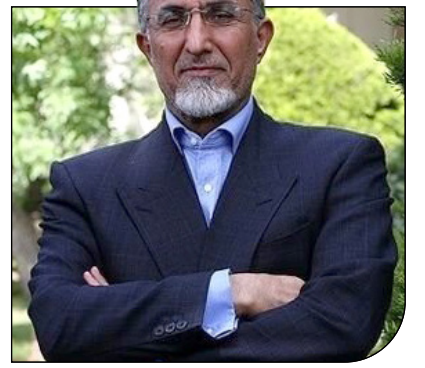
نگاه مردم‌شناسانه در سمپوزیوم  
«مسائل ایران و نقش مردم‌شناسی»

۴

نسخه اتاق بازرگانی برای تاب‌آوری اقتصاد ایران

**اسنپ‌بک  
درا راه است**

حسین راغفر: بدون اصلاح نظام بانکی، تاب‌آوری  
اقتصادی محقق نمی‌شود



معاون پارلمانی رئیس‌جمهور معتقد است در نص قانون ممنوعیتی برای موتورسواری زنان نداریم

# ترمز تبعیض



با اینکه منع قانونی برای صدور گواهینامه رانندگی پایه یک، پایه دو، خلبانی  
و ملوانی برای زنان وجود ندارد، گواهینامه موتورسیکلت برای زنان صادر نمی‌شود

۴

تهابک

۳

عباس خدایاری - ایران - ۱۳۹۱



کشتی‌های بزرگ در بندر با کانتینرهای رنگارنگ در پس‌زمینه.

کشتی‌های بزرگ در بندر با کانتینرهای رنگارنگ در پس‌زمینه.

کشتی‌های بزرگ در بندر با کانتینرهای رنگارنگ در پس‌زمینه.

کشتی‌های بزرگ در بندر با کانتینرهای رنگارنگ در پس‌زمینه.

# اسنپ‌بک در راه است

## نسخه اتاق بازرگانی برای تاب‌آوری اقتصاد ایران

**بازگشت احتمالی تحریم‌های شورای امنیت و سناریوی موسوم به «اسنپ‌بک» دوباره اقتصاد ایران را در مرکزیک جدال جدی قرار داده است. تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد هرپار حلقه فشارهای بین‌المللی تنگ‌تر شده، اقتصاد ایران بدون یک استراتژی روشن برای تاب‌آوری، با شوک‌های سنگین ارزی، تورمی و تجاری روبه‌رو بوده است. این‌بار نیز اگر اقتصاد کشور آماده مقابله با بحران پیش‌رو نباشد، تبعات آن پیش از هر چیز، بر سرفره مردم و معیشت خانوارها سنگینی خواهد کرد.**

۳۵ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است. همچنین در بخش دیگری از گزارش اتاق، واردات رسمی کشور نیز در حالت خوشبینانه ۵۰ میلیارد دلار و در حالت بدبینانه به ۳۵ میلیارد دلار خواهد رسید. این گزارش تأکید دارد درصورت بازگشت تحریم‌ها، نرخ دلار در سناریوهای مختلف از ۱۱۵ هزار تا ۱۶۵ هزار تومان را نشان می‌دهد.

### همکاری با شرکای غیر درگیر در نظام تحریم

یکی دیگر از محورهای گزارش، تعمیق روابط با کشورهایی همچون چین، روسیه، هند، ترکیه، برزیل و اعضای شانگهای، به‌همراه اجرای گمرک کشور نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۳ «چین»، «عراق»، «امارات متحده عربی»، «ترکیه»، «پاکستان»، «افغانستان»، «هند»، «عمان»، «فدراسیون روسیه» و «جمهوری آذربایجان» بالاترین مشارکت را در رشد صادرات کشور داشته‌اند.

در سال ۱۴۰۳ شاخص‌های صادرات غیرنفتی کشور چین با ۱۴ میلیارد و ۸۵۴ میلیون دلار، عراق با ۱۱ میلیارد و ۹۶۱ میلیون دلار، امارات متحده عربی با هفت میلیارد و ۲۰۱ میلیون دلار، ترکیه با شش میلیارد و ۸۸۹ میلیون دلار، پاکستان با دو میلیارد و ۴۲۳ میلیون دلار، افغانستان با دو میلیارد و ۴۱۴ میلیون دلار و هند با یک میلیارد و ۸۹۹ میلیون دلار است.

همچنین براساس اعلام معاون وزیر اقتصاد و رئیس کل گمرک ایران، در این سال تجارت غیرنفتی کشور با ۱۵ کشور همسایه رشد ۲۱ درصدی را تجربه کرده است. اگرچه این رقم نشان از رشد دارد، اما برای اقتصادی که قرار است از طرق مختلف از سوی کشورهای اروپایی منزوی شود، کافی نیست. بنابراین، ضروری است ایران بازارهای صادراتی خود را از بازارهای غربی مستقل کند و

اقتصاد ایران با تمرکز تاریخی بر صادرات نفت و وابستگی گسترده به راه‌های مبادلات مالی غربی، درصورت بازگشت تحریم‌ها با تهدید جدی مواجه می‌شود. بدون تغییر رویکرد سیاسی، خانوارها در معرض کاهش شدید قدرت خرید، بی‌ثباتی روانی و تشدید فقر قرار خواهند گرفت. ازاین‌رو، معاونت امور بین‌الملل اتاق بازرگانی طی گزارشی جدید موسوم به «گزارش تحلیلی آثار اقتصادی بازگشت تحریم‌های شورای امنیت» به رویکردهای ضروری برای تاب‌آوری در دوران اجرای مکانیسم ماشه پرداخته است که در ادامه به تشریح آن می‌پردازیم.

### تنوع‌بخشی به صادرات و بازارهای بین‌المللی

یکی از کلیدی‌ترین توصیه‌ها، تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی است. گزارش اتاق بازرگانی تأکید می‌کند در شرایط اجرای اسنپ‌بک، در شرایط تحریم، تمرکز صرف بر بازارهای محدود آسیب‌پذیری اقتصاد را افزایش می‌دهد. ازاین‌رو، شناسایی و توسعه بازارهای جایگزین به‌ویژه در مناطق آسیای مرکزی، آفریقا، اوراسیا و آمریکای لاتین اهمیت دارد. همچنین، باید از ظرفیت صادرات خدمات فنی و مهندسی بهره گرفت و مدل‌های نوآوری یا پیمان‌های دو و چندجانبه برای گسترش صادرات غیرنفتی به‌کار گرفته شود. برای افزایش تاب‌آوری اقتصادی عمده هدف‌گذاری باید بر تولید صادرات غیرنفتی باشد. مطابق گزارش گمرک ایران، صادرات غیرنفتی در سال ۱۴۰۳ حدود ۵۷٫۸ میلیارد دلار بوده است. این درحالی‌است که واردات غیرنفتی در همان سال نیز حدود ۷۲٫۳ تا ۷۲٫۴ میلیارد دلار گزارش شده و نشان‌دهنده کسری تراز تجاری حدود ۱۴ تا ۱۵ میلیارد دلار است.

براساس پیش‌بینی گزارش اتاق بازرگانی حجم تجارت خارجی که تا مرداد امسال ۹۴ میلیارد دلار است؛ بین ۱۰۰ تا ۷۰ میلیارد دلار (از سناریوی خوشبینانه تا سناریوی بدبینانه) متغیر خواهد بود. همچنین، صادرات غیرنفتی که مرداد امسال ۴۷ میلیارد دلار تخمین زده شده، بین ۵۰ تا

سفارش رسمی واردات با رمز ارز به ارزشی معادل ۱۰ میلیون دلار با موفقیت صورت پذیرفت. تا پایان شهریورماه استفاده از رمز ارزها و قراردادهای هوشمند به‌صورت گسترده در تجارت خارجی با کشورهای هدف عمومیت خواهد یافت. احتمالاً این مسیر نیز با وجود ریسک‌هایی که دارد، می‌تواند در دور زدن تحریم‌ها مؤثر باشد.

ایران می‌تواند با استفاده از ظرفیت نهادهایی نظیر بریکس، به‌عنوان یک گروه اقتصادی با حضور قدرت‌هایی، چون چین، روسیه، هند و برزیل که در حال راه‌اندازی سازوکارهای مالی مستقل از نظام دلاری و سوئیفت است، نیز بخشی از مبادلات تجاری خود را پیش ببرد. پیوستن فعال ایران به این روند می‌تواند دسترسی به شبکه‌های پرداخت جایگزین و پیمان‌های پولی دو یا چند جانبه را فراهم کند و عملاً بخشی از فشارهای ناشی از محدودیت‌های بانکی غرب را خنثی کند.

### تقویت تولید داخلی و تاب‌آوری اقتصادی

گزارش اتاق هشدار می‌دهد اجرای اسنپ‌بک می‌تواند رشد اقتصادی را منفی کند. از همین رو، حمایت هدفمند از صنایع زنجیره‌ای، توسعه صنایع دانش‌بنیان و کالاهای جایگزین واردات، نوسازی تجهیزات و مشوق‌های صادراتی در اولویت قرار گیرد. در گزارشی که اتاق بازرگانی در تحلیل کاهش رشد اقتصادی کشور منتشر کرده، به ضعف تقاضا و فشار هزینه مواد اولیه در بسیاری از ماه‌های ۱۴۰۳–۱۴۰۴ اشاره شده است. عمده کالاهای وارداتی کشور شامل طلا به اشکال خام با هشت میلیارد و ۵۱ میلیون دلار، ذرت دامی با دو میلیارد و ۹۷۸ میلیون دلار و تلفن‌های همراه هوشمند با دو میلیارد و ۴۰۲ میلیون دلار سه قلم عمده کالای وارداتی در این مدت بودند.

بعد از این موارد، کنگاله سویا با یک میلیارد و ۹۵۴ میلیون دلار، دانه سویا با یک میلیارد و ۳۱۸ میلیون دلار، انواع کهنه‌ند با یک میلیارد و ۲۷۳ میلیون دلار، برنج با یک میلیارد و ۲۶۶ میلیون دلار و قطعات منفصله برای تولید اتومبیل سواری با یک میلیارد و ۵۳ میلیون دلار نیز در رتبه‌های بعدی قرار دارند. بنابراین، تقویت تولید داخلی در این راستا می‌تواند منجر به حفظ ذخایر ارزی در دوران تشدید تحریم‌های اقتصادی شود.

**بخشنامه‌ریزی اضطراری برای تأمین کالاهای اساسی و دارو**
در بخش دیگری از گزارش اتاق بازرگانی توصیه شده است تأسیس «ستاد مدیریت واردات اضطراری»، تنظیم قراردادهای پایدار خرید با کشورهای مانند هند و چین و استفاده از شبکه‌های خصوصی برای واردات کالاهای تحریم‌پذیر از اقدامات کلیدی است.
بنابر اعلام مدیرکل دفتر حمل‌ونقل کالای سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای بیش از ۲۱ میلیون تن کالای اساسی از طریق واردات در سال ۱۴۰۳ به کشور وارد شده است. نیاز گندم ایران از ابتدای سال تاکنون ۱٫۲ هزار تن برای حفظ ذخایر استراتژیک ارزیابی شده است. این موضوع ضرورت قراردادهای بلندمدت و ذخایر راهبردی را روشن‌تر می‌کند. گندم، جو، ذرت، سویا، برنج، شکر و روغن‌های خوراکی به‌عنوان اقلام اصلی وارداتی هستند.

نیازهای محلی در مبادلات دوجانبه، سازوکار بریکس، توسعه ابزارهای پرداخت نوین نظیر رمز ارزهای بومی و حواله‌های منطقه‌ای و ایجاد سازوکارهای نوآوری برای تجارت کالا و خدمات می‌تواند به کاهش وابستگی به نظام دلاری کمک کند.»
شاید جالب باشد بدانید طبق آمار وزارت بازرگانی آمریکا ۳۰ درصد معاملات تجاری در دنیا به شیوه تهاتر و در قالب روش‌های خرده‌فروشی، تهاتر بین سازمانی و تهاتر بین‌المللی انجام می‌شود.

براساس گزارش ایرنا، اتصال شبکه «شتاب» ایران و «بیر» روسیه با حضور مقامات عالی‌رتبه بانک‌های مرکزی دو کشور از ادبیبهشت امسال فعال شده است و گزارش‌های اخیر از سهم بالای تسویه با ارزهای ملی در تجارت ایران– روسیه خبر می‌دهند. ضمناً از آنجا که چین روند جهانی «یوان‌سازی» پیگیری می‌کند، در سال‌های اخیر به‌ویژه در خاورمیانه پیگیری کرده است. این مسیر، با وجود ریسک‌هایش، می‌تواند بخشی از محدودیت‌های بانکی غرب را خنثی کند. همچنین، در مرداد ۱۴۰۱ تسلیم بنقل از رئیس‌کل سازمان توسعه تجارت گزارش داد اولین ثبت

### حفظ سرمایه اجتماعی و ثبات روانی اقتصاد

کارشناسان اقتصادی همواره تأکید کرده‌اند در دوره‌های بحران، اطلاع‌رسانی شفاف و منسجم همراه با حمایت‌های اجتماعی هدفمند، نقشی اساسی در حفظ آرامش روانی جامعه دارد. گزارش اتاق بازرگانی نیز تصریح می‌کند برای جلوگیری از هراس عمومی و بی‌ثباتی اقتصادی، باید اطلاع‌رسانی صادقانه، مشارکت واقعی بخش خصوصی، پرداخت یارانه‌های هدفمند و مدیریت دقیق قیمت کالاهای اساسی در دستورکار قرار گیرد.

راحت‌ل، نه در افتادن در دام وحشت و هراس، بلکه در کشف مجدد درس‌هایی است که نسل‌های گذشته به‌سخنی آموخته‌اند؛ ضرورت مقاومت سازمان‌یافته و قدرت جمعی ما. سال گذشته، در اوج شورش‌ها، پیامی در گروه تلگرامی راست افراطی که در حال سازماندهی راهیمیایی‌هایی نفرت در سراسر کشور بود، منتشر شد. این پیام با این جمله آغاز شده بود: «کاکاسیاهما، مسلمانان، پایجتها، اگر روز چهارشنبه به محل اعتراضات برسید، قتل‌عام خواهید شد. عاقلانه فکر کنید یا بمرید.» این پیام برای ترساندن افرادی مانند من طراحی شده بود تا از حضور در مقابله با اعتراض‌ها باز بمانیم و یا این توهم را حفظ کنند که تنها نژادپرستان در کشور ما صدا دارند. اما این پیام تنها چیزی که برای من به‌جا گذاشت، خشم بود نه ترس. این چهارشنبه من حاضر شدم، همراه با ده‌ها هزار ضدنژادپرست دیگر از سراسر کشور. در والتامستو، شرق لندن، حتی یک گروه راست افراطی جرئت نشان دادن چهره خود را نداشت و خیابان‌ها پر شد از مردم، از همه قشرهای جامعه، که تا دیروقت شب جشن می‌گرفتند.

\*روهان ساتیاپورتی، نویسنده ۱۹ساله‌ای است از جنوب غربی لندن

### پیام اقتصاد

سال بیست و یکم | شماره پیاپی ۳۲۹ | پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۴۰۴ |

### کفت‌وگو

حسین راغفر، اقتصاددان

در گفت‌وگو با «پیام ما»:

## بدون اصلاح نظام بانکی تاب‌آوری اقتصادی محقق نمی‌شود

ایپام ما زمنمه‌های بازگشت تحریم‌ها و فعال شدن سازوکار ماشه بار دیگر بحث تاب‌آوری اقتصادی ایران را به میان کشیده است. در شرایطی که نوسان‌های ارزی و بی‌انضباطی مالی به دغدغه اصلی جامعه تبدیل شده، بسیاری از کارشناسان بر این باورند که ادامه مسیر گذشته نه‌تنها مشکلات را حل نمی‌کند، بلکه کشور را در برابر فشارهای خارجی آسیب‌پذیرتر خواهد کرد.

«حسین راغفر» در گفت‌وگو با «پیام ما» بر ضرورت اجرای اقتصاد جنگی برای مقابله با تحریم‌های ناشی از سازوکار ماشه برای افزایش تاب‌آوری اقتصادی تأکید می‌کند و می‌گوید: مسیر اقتصادی کشور که در ۳۷ سال گذشته، از پس از جنگ هشت‌ساله تا کنون اعمال شده، فاقد کارایی بوده و چه‌بسا اقتصاد کشور را نیز برای چنین بحران‌های جهانی مستعد کرده است. این سیاست‌ها نابرابری اجتماعی را افزایش داد و رشد لجام‌گسیخته قیمت‌ها را امکان‌پذیر کرد.»
این اقتصاددان با تأکید بر بی‌انضباطی مالی و بودجه‌ای کشور می‌گوید: «در حال حاضر تعیین نرخ ارز عملاً به دست حاکمیت است و این بانک مرکزی است که هر روز صبح قیمت ارز را به صرافی‌ها اعلام می‌کند. بخش عمده‌ای از کسری بودجه دولت ناشی از بی‌انضباطی مالی دولت‌ها است. بنابراین، کنترل پیامدهای بازگشت تحریم‌ها و اجرای اسنپ‌بک به این امر بستگی دارد که چقدر دولت تمرکز خود را بر تولید معطوف کند و در این روستا تجربه دهه اول انقلاب نیز پیش رومیان است.»

حسین راغفر در پاسخ به این پرسش که چرا اجازه داده نمی‌شود تولید در داخل کشور یا بگیرد، بیان می‌کند: «عده‌ای براساس مناقضان سالیان سال است که به‌بانه افزایش کیفیت خودرو داخلی بر افزایش واردات تأکید می‌کنند. اما در عمل نه‌تنها واردات خودرو منجر به بالا رفتن کیفیت خودروی تولید داخل نشده، بلکه بخش بزرگی از منابع کشور نیز صرف واردات شده است.»
او می‌افزاید: «نکته قابل‌توجه این است که مبالغ هنگفتی برای واردات خودرو به چین می‌پردازیم. درحالی‌که ترکیه در حال حاضر با «BYD»، یکی از بزرگ‌تولیدکنندگان خودرو برقی چین در دنیا» است، قرارداد بسته و ساخت این خودرو در ترکیه را به اجرا گذاشته است. این هزینه به‌مراتب کمتر از چیزی است که برای واردات خودروی چینی پرداخت می‌کنیم. حل این مسئله به دست دولت است و بخش قابل‌توجهی از مسائل اساساً داخلی است. نمی‌توان با این قبیل از اقدامات به مقابله با تحریم‌ها پرداخت.»

این اقتصاددان پیشنهاد می‌کند دولت بودجه‌ریزی ارزی را در دستورکار قرار دهد. به‌گفته او: «وقتی ذخایر ارزی کشور محدود است، نمی‌توان ارز را در بازار سیاه فروخت؛ چراکه توانایی در مدیریت منابع ارزی کشور مسبب به‌هم‌ریختگی‌ها و عدم کارایی اقتصادی است که امروز شاهد آن هستیم. منابع محدود ارزی کشور را باید صرف نیازهای اساسی جامعه و رشد تولید کنیم. این تجربه‌ای است که در طول جنگ هشت‌ساله نیز کسب کردیم. در آن دوران درآمد‌های ارزی به‌شدت کم بود، اما توانستیم تولید را پیش ببریم؛ بخش بزرگی از صنایع کشور از جمله کارخانه‌های فولاد، پتروشیمی‌ها، مس سرچشمه تحت‌شدیدترین تحریم‌ها ای‌گرفت که با بودجه‌ریزی ارزی و صرفه‌جویی در منابع کشور و برنامه‌ریزی موفق شد.»

راغفر معتقد است: «به‌بانه بهبود کارایی اقتصادی، منابع بخش عمومی با بانک‌ها که محل تأمین سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز جامعه هستند، به بانک‌های خصوصی سپرده شده است که اصلاً انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری ندارند.»

او ادامه می‌دهد: «بخش قابل‌توجهی از مشکلات بسیار جدی که با آن مواجه‌ایم، محصول سوءمدیریت و برنامه‌ریزی غلط است. اینها مواردی هستند که قابل‌اصلاح هستند و راحت‌ل آن بازگشت به قانون اساسی است.»

این اقتصاددان معتقد است اصلاح نظام بانکی کشور باید در دستورکار دولت قرار بگیرد. او می‌گوید: «تعطیلی بسیاری از بانک‌ها که جز فساد چیزی برای کشور به اربغان نیاورداند و این ناترازی‌های بزرگ را ایجاد کرده‌اند، بسیار مهم است. بانک‌ها باید بتوانند برای اجرای برنامه‌های تولید در کشور منابع خود را هزینه کنند که منجر به اشتغال‌زایی و کاهش بیکاری در جامعه می‌شود. تولید است که برای کشور درآمد ایجاد و رشد اقتصادی را تضمین می‌کند. دولت باید بتواند بر مدیریت منابع سرمایه‌گذاری‌ها تسلط داشته باشد.»

راغفر تصریح می‌کند: «این بانک‌ها مشکلات عظیمی برای اقتصاد کشور به‌وجود آورداند و در شرایط کنونی جز افزودن به بحران، کار دیگری نخواهند کرد. بنابراین، دولت باید نسبت به اصلاح نظام بانکی اقدامی قاطع انجام بدهد، به‌نجوی که بتواند بر منابعی که با پول مردم خلق می‌شود، اشراف داشته باشد و این منابع مصرف پروژه‌های تولید شود تا شغل برای جوانان ایجاد کند. این امر به‌خودی‌خود بار بزرگی را از فشار تحریم‌ها برمی‌دارد.» او می‌افزاید: «به‌جای اینکه دولت منابع کشور را صرف واردات اقلامی کند که در داخل کشور قابل‌تولید است، هزینه‌ها باید به‌سمت تولید هدفمند معطوف شود. نه اینکه منابع ارزی صرف واردات اقلام قابل‌تولید در کشور شود.»

گمرک

مطابق گزارش گمرک ایران، صادرات غیرنفتی در سال ۱۴۰۳ حدود ۵۷٫۸ میلیارد دلار بوده است. این درحالی‌است که واردات غیرنفتی در همان سال نیز حدود ۷۲٫۳ تا ۷۲٫۴ میلیارد دلار گزارش شده و نشان‌دهنده کسری تراز تجاری حدود ۱۴ تا ۱۵ میلیارد دلار است

### یادداشت

# اشتباه می‌کردم که بریتانیا دارای تحمل نژادی است

## من در یک سال گذشته بیش از تمام دوران زندگی‌ام با نژادپرستی روبه‌رو شده‌ام تنها راحل این است که جوانان در مقابل راست افراطی بایستند

| نویسنده: روهان ساتیاپورتی \* |

| مترجم: مریم فاخر |

وقتی پدرم در دهه ۱۹۷۰ به مدرسه می‌رفت، بچه‌ها وانمود می‌کردند او نامرئی است. او هر روز سعی می‌کرد با دیگر کودکان حرف بزند و بازی کند، اما هر روز نادیده گرفته می‌شد.اوضاع آنقدر بد شد که یک شب مادر بزرگم او را دید که در خواب در حال گریه کردن است. او به‌عنوان یک کودک هشت‌ساله نمی‌توانست درک کند چرا هیچ‌کس نمی‌خواهد با «کودک قهوه‌ای» حرف بزند. چنین طرد اجتماعی‌ای، متأسفانه، در بریتانیا پس از جنگ جهانی دوم بسیار رایج بود. مادر بزرگ سفیدپوستم از سال ۱۹۶۶که عاشق پدر بزرگ سری‌لانکایی‌ام شده بود، یعنی ارتکاب به گناه ازدواج بین‌نژادی، سهم خود از آزارها را تحمل کرده بود.

وقتی من به‌عنوان یک کودک این داستان‌ها را می‌شنیدم، انگار قصه‌های وحشتناک از زمان دیگری بودند؛ از زمان راهیمیایی‌های «ملی‌گرایان افراطی» و درگیری‌های خیابانی که با دوربین‌های بزرگ سیاه‌وسفید ثبت می‌شد. بزرگ شدن در مدرسه‌ای چندفرهنگی در جنوب‌غرب لندن در دهه ۲۰۱۰، قطعاً دوران کودکی متفاوتی نسبت به پدرم بود. تصور اینکه به‌خاطر رنگ پوست طرد شوی، چیزی جز مسئله‌ای خنده‌دار نبود. اما حالا، دیگر چندان خنده‌دار به‌نظر نمی‌رسد.

یک سال پیش، در پی «قتل‌های ساتویپورت» که یک حمله هولناک با چاقو در تاریخ ۲۹ ژوئیه ۲۰۲۴ توسط یک نوجوان

معاون پارلمانی رئیس‌جمهور معتقد است در نص قانون ممنوعیتی برای موتورسواری زنان نداریم

# ترمز تبعیض

**با اینکه منع قانونی برای صدور گواهینامه رانندگی پایه یک، پایه دو، خلبانی و ملوانی برای زنان وجود ندارد، گواهینامه موتورسیکلت برای زنان صادر نمی‌شود**



عنا عدلی - هسپوئی

۱۶

«حس خنکی باد صبحگاهی شهر یور، وقتی روی موتور هستی، کیفیت متفاوتی دارد. کیفیتی غریب اما آشنا که من از کودکی تجربه‌باش را داشتم؛ تجربه موتورسواری در خیابان‌های شهر و کشورم.» موتورسواری زنان، حقی که سال‌ها از زنان این سرزمین دریغ شده، در آخرین روزهای تابستان برحاده‌ن ۱۴۰۴ رنگ واقعیت به خود گرفت. سال‌ها زیستن در محرومیت، از زنان ایرانی انسان‌هایی مطالبه‌گرو متهور ساخته است. آنها به‌رغم محدودیت‌های سلیقه‌ای باز هم موتور سوار می‌شوند. اگرچه منع قانونی برای موتورسواری زنان وجود ندارد، اما صادر نکردن گواهینامه برای راکبان زن این اقدام را در زمره اعمال خلاف قانون قرار می‌دهد. این درحالی‌است که قوانین ناسازگار با واقعیت جامعه همواره توسط مردم دفع و رد می‌شوند.

می‌کنم از معابری عبور کنم که پلیس کمتری دارد. حتی موتور را به‌نام برادرم ثبت کرده‌ام تا اگر موتور را توقیف کردند، بتوانم از پارکینگ ترخیصش کنم. البته در این پنج ماه افسری از راهنمایی‌ورانندگی مرا متوقف نکرده و گاهی با لبخند و تأیید بدفهام می‌کنند.» افسر مستقر در سراه ضرابخانه درباره مواجهه با موتورسواری زنان حرف مهسا را تأیید می‌کند: «از طرف مافوقمان دستور ضمنی گرفته‌ایم که با موتورسواران زن مدارا کنیم.» این افسر جوان قانونمندی زنان در موتورسواری را تحسین می‌کند: «ای کاش شرایطی فراهم شود تا همه زنان بتوانند از موتور به‌جای ماشین استفاده کنند.»

**🔗 موتورسواری مقرون‌به‌صرفه است**

در شرایط اقتصادی سختی که هزینه نگهداری، استهلاک و سوخت خودرو نیمی از درآمد هر فرد را می‌بلعد، استفاده از موتور برای مهسا مقرون‌به‌صرفه است. «وقتی با ماشینم تردد می‌کردم، بخش قابل‌توجهی از درآمد صرف جای پارک می‌شد. تا همین چند ماه پیش، پرداختن جریمه حجاب و خواباندن ماشین، بخشی از هزینه‌های تحمیلی به زنان راننده بود. اما طی مدتی که موتور سوار می‌شوم، هزینه‌های رفت‌وآمدم به‌شکل



ازهراکردا

روزنامه‌نگارا

به‌گفته کشتگران اجتماعی، اعطای حقوق بدیهی نظیر موتورسواری در بزنگاه‌هایی که حقوق اصلی و حیاتی ملت در تیررس ماشه و تحریم‌های فلج‌کننده قرار دارد، نوشدارویی پس از مرگ سهراب است؛ زیرا جامعه ایران همواره برای زیست آزاد خود جلوتر از حاکمیت حرکت کرده است. از طرفی گروه دیگری از فعالان اجتماعی، آزادی‌های کوچک را دستاوردی بزرگ می‌دانند؛ دستاوردی که ماحصل عمری تلاش و مطالبه‌گری زنان و مردان تحول‌خواه است.

**🔗 موتورسواری علاج تأخیرهای همیشگی**

«مهسا» پرستار است و در بخش دولتی و خصوصی کار می‌کند. کار زیاد و رفت‌وآمد، این دختر جوان را به استفاده از موتورسیکلت ترغیب کرده است. مهسا با اینکه ماشین دارد، پنج‌ماهی است که موتور را برای تردد انتخاب کرده. او می‌گوید: «رانندگی و ترافیک، فرساینده روح و روان من بود. از طرفی تبعاتی که تأخیر در رسیدن به محل کار برایم داشت، منجایم کرد از موتور استفاده کنم.» مهسا گواهینامه موتور ندارد، اما موتورسواری را خیلی سریع از پدرش یاد گرفته است. نداشتن گواهینامه یکی از ترس‌های همیشگی اوست. «همیشه سعی

**گزارش**

**سلامتی و ایمنی افرادی که صنعت مد را پیش می‌برند، در خطر است**

# تغییر اقلیم علیه کارگران جهان

| نویسنده: نامیت آگاروال |

| مترجم: مریم فاخر |

با گرم‌تر شدن کره زمین، آسیب‌پذیرترین کارگران جهان تحت فشار شدید قرار گرفته‌اند. در سال ۲۰۲۳، هند گرم‌ترین سال تاریخ خود را ثبت کرد و در برخی مناطق دما به ۵۰ درجه سلسیوس رسید. امسال تابستان، موج‌های گرما در ایالات متحده، اروپا و آسیا زندگی روزمره را مختل کرده و جان بسیاری را گرفته است.
باین‌حال، در این شرایط، توجه کمی به کارگران پوشاک – که بیشتر آنها زن هستند- می‌شود؛ افرادی که صنعت مد جهانی را در حرکت نگه می‌دارند، حتی وقتی سلامت و ایمنی‌شان در خطر است. صنعت مد مسئول حدود هشت درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای جهان است. درحالی‌که بسیاری از برندهای جهانی هدف‌هایی در راستای انتشار کربن صفر تعیین کرده‌اند و اغلب استراتژی‌های اقلیمی صرفاً بر محاسبه میزان کربن متمرکز هستند؛ کارگرانی که با افزایش گرما و محافظت اندک رویه‌رو هستند، اغلب از این برنامه‌ها جا می‌مانند. این نهنتها ناعادلانه است، بلکه فرصتی از دست‌رفته برای ایجاد صنعتی مقاوم و آماده برای آینده محسوب می‌شود.

در «تامیل نادو»، یکی از بزرگ‌ترین مناطق تولید پوشاک در هند، ۹۰ درصد کارگران کارخانه‌ها زن هستند. به‌گفته «یالانی بهارتی»، رهبر اتحادیه‌ای که با زنان کارگر پوشاک کار می‌کند، اکثر کارخانه‌ها فقط تهویه و پنکه‌های پایه‌ای فراهم می‌کنند.

چشم‌گیری کم شده است.» با اینکه او در بخش دولتی هم مشغول به‌کار است، تا‌به‌حال از طرف حراست محل کارش در مواجهه با موتورسواری، برخورد قه‌ری ندیده است.

**🔗 ارتباط بی‌واسطه با شهر**

آمارها از ۵۹ درصد ترافیک خودروهای تک‌سرنشین می‌گویند. ضعف ناوگان حمل‌ونقل عمومی در کنار مسئله امنیت، دسترسی زنان را به انواع وسایل نقلیه محدود می‌کند. هزینه بالای تاکسی‌های اینترنتی و اتفاق ناگواری که برای «الله حسین‌نژاد» افتاد، زنان را بیش‌ازپیش به استفاده از خودروی شخصی سوق می‌دهد؛ در نتیجه بخش قابل‌توجهی از موج ترافیک به خودروهای تک‌سرنشین زنان اختصاص دارد. اما «پرستو» با موتورسواری این ترافیک را دور می‌زند و زمانش را مدیریت می‌کند. این موتورسوار ۳۱ساله برای مسافت خانه تا محل کارش، که در مرکز شهر واقع است، موتور می‌راند. وسیله‌ای که به پرستو آزادی عمل می‌دهد و با هیچانی که بعد از هربار موتورسواری دارد، تصمیم گرفته است به‌رغم داشتن ماشین، با موتور تردد کند. محصور نبودن موتور برای پرستو تجربه شگفت‌آوری

است. «وقتی روی موتور هستم، ارتباط بی‌واسطه‌ای با محیط پیرامونم دارم. تابش خورشید صبحگاهی، خنکای فواره‌های دور میدان و بادی که در موهایم می‌وزد، تجربه‌های شیرینی از موتورسواری برای من است. تجربیاتی که به‌هیچ‌وجه در خودرو نداشتم.» حالا او اتفاق‌های زیادی را به‌واسطه موتورسواری به چشم می‌بیند. «نگاهی تأییدآمیز، لبخند مسرت، لایک‌های تشویق‌کننده، حمایت‌های رانندگان دیگر و موارد محدودی طعنه‌ومتلک.»

**🔗 اولین گواهینامه موتور**

«زینب» از کودکی آرزوی موتورسواری داشت و این آرزو، انگیزه‌ای شد تا در نوجوانی موتورسواری را از پسرخاله‌اش یاد بگیرد؛ اما محدودیت‌های عرفی و سلیقه‌ای اجازه تحقق آرزویش را ن داده بود. تا اینکه چهار ماه پیش وقتی خسته و کلافه در اتومبیلش پشت ترافیک همت بود، با دیدن زنی موتورسوار، متعجب و خوشحال شد. «آرزوی کودکی‌ام مقابل چشمانم آمد و با خود گفتم پس من هم می‌توانم.» حالا زینب نخستین موتور زندگی‌اش را خریده است. موتوری که اولین سواری‌اش را به زینب و پدرش داده است. «وقتی خانواده تصمیم

جدی مرا برای خرید موتور دیدند، از پیدا کردن موتور مناسب تا تأمین هزینه خرید، حمایتم کردند.» زینب یکی از اولین زنانی بود که با شنیدن خبر صدور گواهینامه موتور برای زنان، به اداره راهنمایی رانندگی مراجعه کرد. اما تحقق این امر هنوز در گرو بوروکراسی اداری است. سخنگوی دولت از نبود منع قانونی برای موتورسواری زنان خبر می‌دهد، اما هنوز گواهینامه موتور برای هیچ زنی صادر نشده است. شاید در آینده نزدیک زینب نیز نظیر «شوکت‌الملوک جهانانی» یکی از اولین زنانی باشد که نامش با گواهینامه، اما این‌بار به گواهینامه موتورسیکلت، گره می‌خورد.

**🔗 زنان بیشتر قانون را رعایت می‌کنند**

«پرینسا» همیشه به‌واسطه صدای مهیب و رفتارهای خطرناک بعضی از موتورسواران، از این وسیله نقلیه می‌ترسید، اما وقتی در ترافیکی پشت چراغ قرمز، سواری قانونمند و بی‌خطر زن موتورسواری را دید، نگاهش به موتورسواری تغییر کرد. گویا موتورسواری زنان شکل دیگری به این وسیله نقلیه داده و بر پذیرش وجهه عمومی آن تأثیر مثبتی گذاشته است. هرچند افسر راهنمایی‌ورانندگی چهارراه جهان‌کودک نظر متفاوتی به رعایت قانون از جانب زنان موتورسوار دارد: «از آن‌جاکه موتورسواری بدون گواهینامه خلاف قانون است، زنان تلاش می‌کنند تا همه قوانین اعم از پوشیدن کلاه کاسکت، رعایت سرعت استاندارد و توجه به چراغ‌های راهنمایی رانندگی را رعایت کنند تا دلیلی برای توقیفشان وجود نداشته باشد. شاید اگر موتورسواری زنان قانونی شود، آنها نیز همچون مردان موتورسوار، رفتارهای پرخطر داشته باشند.» اما آمارها و تجربیات به ما می‌گویند قانونمندی زنان در مقایسه با مردان چشم‌گیر و اثرگذار است.

**🔗 از دامن‌های چندلایه تا آزادی حرکت**

کافی است به تاریخ نگاهی بیاندازیم تا تبعیض‌ها را بیشتر درک کنیم. زین‌های یک‌پوری اسپه‌ها که ویژه سوارکاری زنان تدارک دیده شده بود، حرکت زنان اروپای ۱۹۰۰ را سخت می‌کرد. لباس‌های دست‌وپاگیر، شرایط عرفی جامعه و لزوم وجود همراه، سبب دشواری و وابستگی زنان در جابه‌جایی شده بود. همواره ارتباط مستقیمی بین آزادی حرکت و آزادی اجتماعی وجود دارد. مادامی که آزادی حرکت نباشد، حضوری هم در اجتماع رقم نمی‌خورد. با رخ‌دادن انقلاب صنعتی زنان دریافتند تکلف پوشش مانعی برای حضورشان در اجتماع است. به‌تدریج شکل لباس زنان به‌گونه‌ای تغییر کرد که امکان سوارکاری و به‌تدر دوچرخه‌سواری را به آنها داد و باعث شد حضور بی‌تکلفی در جامعه داشته باشند. موج جهانی تلاش برای آزادی حرکت، به ایران دوره قاجار نیز رسید. تلاش برای آزادی حرکت توسط زنان روشنفکر صورت گرفت. اقداماتی نظیر

خروج از اندرونی برای تحصیل و سپس کارکردن، در مدار فعالیت‌های آزادبخوانه‌ها زنان بود. پهلوی اول و تلاشش برای تغییر چهره سنتی شهرها، زنان را بیش‌ازپیش به خارج از خانه برد و این حضور مستلزم وسیله نقلیه بود. در سال ۱۳۱۹ شوکت‌الملوک جهانانی یکی از اولین زنانی بود که گواهینامه گرفت. پس از انقلاب ۵۷، آزادی حرکت برای زنان در انحصار خودرو بود. ممنوعیت استفاده از دوچرخه و موتور بدعتی تبعیض‌آمیز بود که دسترسی زنان را از حمل‌ونقل پاک و سریع منع می‌کرد. چه بسیار خلیفه‌هایی که در مذمت دوچرخه‌سواری زنان در مشهد و اصفهان ایراد شد. اما زنان با شعار «رکاب‌بزن زن» در پویش سه‌شنبه‌های بدون‌خودرو شرکت کردند و شهر را با چهره زنان سوار بر دوچرخه آشنا کردند. تا اینکه در شهریورماه ۱۴۰۴ معاونت پارلمانی ریاست‌جمهوری از ممنوع نبودن موتورسواری زنان در قانون سخن گفت و فصلی جدید در آزادی حرکت زنان این مرزوبوم رقم خورد. اما دید هماهنگی بین‌دستگاهی که معاون امور زنان و خانواده دولت پزشکیان از آن صحبت می‌کند، تا چه میزان تسهیل‌کننده صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان است.

زن موتورسوار: وقتی با

ماشینم تردد می‌کردم، بخش

قابل‌توجهی از درآمد صرف

جای پارک می‌شد. تا همین

چند ماه پیش، پرداختن جریمه

حجاب و خواباندن ماشین

بخشی از هزینه‌های تحمیلی

به زنان راننده بود. اما طی

مدتی که موتور سوار می‌شوم

هزینه‌های رفت‌وآمدم به‌شکل

چشم‌گیری کم شده است

۱۶

ممنوعیت استفاده از دوچرخه

و موتور بدعتی تبعیض‌آمیز بود

تا اینکه در شهریورماه ۱۴۰۴

معاونت پارلمانی ریاست‌جمهوری

از ممنوع نبودن موتورسواری زنان

در قانون سخن گفت و فصلی

جدید در آزادی حرکت زنان این

مرزوبوم رقم خورد

نیاز دارند. راهکارهای ساده مانند ارائه دوغ برای هیدراته نگه‌داشتن کارگران در طول روز، اجازه‌دادن به رفتن منظم به دستشویی و آموزش مدیران در مورد ریسک‌های مرتبط با گرما، می‌تواند تفاوت قابل‌توجهی ایجاد کند. سوم اینکه برندها باید بر نتایج مثبت جهانی معیارسنجی، نشان داد شکاف چشمگیری میان انتظارات شرکت‌ها از تأمین‌کنندگانشان و میزان حمایتی که از آنها می‌کنند، وجود دارد.

این شوک‌ها را از طریق کاهش سلامت و افزایش ناامنی شغلی تجربه می‌کنند. اغلب، تأمین‌کنندگان مجبور می‌شوند خودشان هزینه اقدامات پایداری را خود به دوش بکشند، حتی زمانی که حاشیه سود آنها کاهش می‌یابد. شاخص جنسیتی ۲۰۲۳ اتحادیه جهانی معیارسنجی، نشان داد شکاف چشمگیری میان انتظارات شرکت‌ها از تأمین‌کنندگانشان و میزان حمایتی که از آنها می‌کنند، وجود دارد.

درحالی‌که ۹۳ درصد شرکت‌ها از تأمین‌کنندگان خود انتظار رعایت حقوق بشر و برابری جنسیتی دارند، تنها ۲۷ درصد این انتظارات را با شیوه‌های خرید مسئولانه پشتیبانی می‌کنند. نتیجه این است که شکاف خطرناکی بین اهداف اقلیمی و واقعیت ایجاد می‌شود. بدون رسیدگی به ایمنی کارگران و توانمندی تأمین‌کنندگان، وعده‌های اقلیمی صنعت مد پوچ باقی خواهد ماند. اما گام‌های عملی وجود دارد که برندها می‌توانند آنها را به کار گیرند. اول، آنها باید درک عمیق‌تری از زنجیره‌های تأمین خود پیدا کنند. این، شامل مشورت با کارگران و اتحادیه‌های کارگری، انجام ارزیابی دقیق حقوق بشر و برخورد با قرار گرفتن در معرض گرما به‌عنوان یک ریسک جدی شغلی است. بهارتی می‌گوید: «کارخانه‌ها باید دمای داخل و داده‌های سلامت کارگران را نظارت کنند. باید مراکز بهداشت عمومی و خصوصی، بیماری‌ها و مشکلات پزشکی را پیگیری و آنها را به مواجهه‌های محیط کار مرتبط کنند، به‌ویژه در زمان موج‌های گرمای شدید.»

دوم، شرکت‌ها باید از تأمین‌کنندگان برای سازگاری با شرایط حمایت کنند. این امر شامل سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های پایه مانند تهویه بهتر، مناطق استراحت سایه‌دار، ایستگاه‌های آب و وقفه‌های خنک‌کننده است. اما این مسئله همچنین نیازمند همکاری‌های بلندمدت است. تأمین‌کنندگان به تضمین خرید، تقویت ظرفیت و تأمین مالی مشترک برای ارتقای پایدار

کار در معرض گرمای شدید قرار خواهند گرفت. تنها در سال ۲۰۲۳، بیش از ۲۲ میلیون آسیب و نزدیک به ۱۹ هزار مرگ ناشی از استرس گرمایی ثبت شد. وقتی شاخص دمایی (wet-bulb globe temperature) به ۳۲ درجه سلسیوس برسد، خطر گرمای شدید برای انسان بالا می‌رود و فعالیت بدنی می‌تواند آسیب‌زا باشد. این شاخص (WBGT) نشان‌دهنده دمایی است که احساس واقعی گرما برای بدن انسان را در نظر می‌گیرد و هم‌زمان گرما، تابش آفتاب و رطوبت محیط را محاسبه می‌کند. چون رطوبت باعث می‌شود بدن نتواند به‌خوبی عرق کند و خنک شود. وقتی این دما بالا برود، حتی اگر هوا زیاد گرم به‌نظر نرسد، گرما می‌تواند خطرناک شود؛ عملکرد کلیه را مختل می‌کند، خطرات قلبی-عروقی را افزایش می‌دهد و توانایی شناختی را کاهش می‌دهد. کارگران در جنوب آسیا یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها هستند.

هزینه‌ها تنها بر دوش کارگران نیست. طبق گزارش The Lancet، اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۳ حدود ۵۱۲ میلیارد ساعت کاری را به‌دلیل گرمای شدید از دست داد که تقریباً ۵۰ درصد بیشتر از دهه ۱۹۹۰ است. پیامدهای این موضوع برای زنجیره‌های تأمین جهانی بسیار بزرگ است. این چالش‌ها با محیط تجاری ناپایدار پیچیده‌تر می‌شوند. جنگ‌های تعرفه‌ای جاری بین اقتصادهای بزرگ فشار بیش‌تری بر تأمین‌کنندگان وارد می‌کند. با افزایش تعرفه‌ها و ناپایدارتر شدن روابط تجاری، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط که پیش‌تر با حاشیه سود بسیار اندک فعالیت می‌کردند؛ با تقاضای ناپایدار، زمان‌بندی‌های غیر قابل پیش‌بینی و افزایش هزینه‌ها مواجه می‌شوند. گرفتار در این تنش‌های ژئوپولیتیکی، بسیاری از تأمین‌کنندگان دیگر فضای مالی لازم برای سرمایه‌گذاری در سیستم‌های سرمایشی، حفاظت از کارگران با اقدامات ایمنی شغلی پایه را ندارند. در نهایت، کارگران هستند که بهای این ناپایداری را می‌پردازند و



سلیمی در ادامه به آسیب‌شناسی مفهوم تاب‌آوری در فاجعه می‌پردازد و تأکید می‌کند: «تاب‌آوری یکی از مفاهیمی است که انسان‌شناسان فاجعه به‌صورت انتقادی به آن نگاه می‌کنند؛ چون اگر تأکید ما فقط روی تاب‌آوری باشد و انتظار داشته باشیم مردم آسیب‌دیده تاب‌آور باشند، مسئولیت ایجاد زیرساخت‌های امن در برابر فاجعه که وظیفه دولت و نهادهای مربوطه است، به دوش افراد و گروه‌های کوچک می‌افتد. این ایده که «باید با شرایط کنار بیایید» درست است و باید جامعه را به سمت انطباق‌پذیری سوق داد، اما باید علل آسیب‌پذیری جامعه نیز شناسایی شود و مسئولیت این موضوع نباید از کسانی که متولی امر هستند، سلب شود و به دوش مردم بیفتد.»

### گردشگری نیازمند پژوهش‌های عمیق انسان‌شناسی است

«امیر شاهی‌مقدم»، استادیار گروه میراث‌فرهنگی دانشگاه مازندران، در این نشست چالش‌های حوزه گردشگری را از منظر انسان‌شناسی تحلیل می‌کند و می‌گوید: «گردشگری در ایران به پدیده‌ای بی‌صاحب و رهاشده تبدیل شده است؛ درحالی‌که آثار آن در فرهنگ، روابط اجتماعی و حتی عرصه‌های بین‌المللی به‌وضوح احساس می‌شود.» او بر این باور است که در حوزه گردشگری پژوهش‌ها و مطالعات دقیق و درعین‌حال اثرگذاری صورت نگرفته است: «هر روز مقالات متعددی درباره گردشگری منتشر می‌شود، اما همچنان مشکلات اصلی پابرجاست. دلیل آن است که بسیاری از این مقالات صرفاً برای اهداف دانشگاهی و رفع تکلیف نوشته می‌شوند و خروجی کاربردی ندارند. درنتیجه، گردشگری به پدیده‌ای عوام‌زده تبدیل شده است.» شاهی‌مقدم معتقد است پژوهش‌های این حوزه باید عمق بیشتری پیدا کنند و به مسائل زیربنایی‌تری بپردازند: «وقتی از پژوهش جدی و بنیادی صحبت می‌کنیم، منظورمان مطالعات انسان‌شناسی و مردم‌شناسی است. بررسی زمان‌های سفر ایرانیان، نوع سفر آنها یا موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با گردشگری از جمله موضوعاتی است که باید در این چارچوب مطالعه شود. مصادیق زیادی در حوزه گردشگری وجود دارد که تنها از مسیر پژوهش‌های انسان‌شناختی قابل‌فهم است. بدون این نگاه، بحران‌های گردشگری همچنان تداوم خواهد داشت.»

### تفاوت میان ملی‌گرایی و میهن‌پرستی

«مehرداد عسقلانی»، عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، محور سخنان خود را بررسی تفاوت بنیادین میان «ملی‌گرایی» و «میهن‌پرستی» قرار داد. او معتقد است: «ملی‌گرایی یک ایدئولوژی سیاسی است که به ملت و دولت مربوط می‌شود و عوامل نژاد، زبان، فرهنگ، تاریخ و مذهب در شکل‌گیری آن نقش دارند. در مقابل، میهن‌پرستی بیشتر یک احساس عاطفی و عشق به سرزمین است.» او تأکید می‌کند: «در ملی‌گرایی نوعی برتری‌جویی وجود دارد که آن را در مقابل «میهن‌هراسی» قرار می‌دهد و اغلب نگاهی منفی به مهاجران دارد، اما میهن‌پرستی چنین نگرشی ندارد و به رفاه همه، از جمله مهاجران، توجه می‌کند. ملی‌گرایی با هیجانات و برتری‌طلبی و کاهش همبستگی مرتبط است، درحالی‌که میهن‌پرستی به احساسات مثبت، همبستگی و مشارکت اجتماعی پیوند دارد.» او تأکید دارد: «هویت ملی باید همه ایرانیان را دربرگیرد و هیچ گروهی را حذف نکند و باید میان ملی‌گرایی و میهن‌پرستی تمایز قائل شد.»

معمولاً کلیشه‌های به‌عنوان «قلمروهای محروم» یا «پهنه‌های محروم» ایران وجود دارد که جنوب کرمان و زاهدان را شامل می‌شود و هر کسی می‌خواهد کار کند، می‌رود آنجا. این کلیشه چقدر نیروهای اجتماعی را جابه‌جا می‌کند؟ انسان‌شناسی چگونه می‌تواند نشان دهد چه مکانیزم‌هایی وجود دارد که اثرگذاری نیروهای خبرخواه جامعه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؟ غفلت از سازوکارهای پنهان، منجر به توسعه نیروهای ویرانگر شده است. در مطالعه زاهدان به این نتیجه رسیدیم که چگونه تقاطعی از ساختارهای شبه مافیایی مانع می‌شوند هرگونه مسئولیت اجتماعی یا توسعه محلی به نتیجه برسد و مثل همان مثال استخوان لای زخم هستند. «رحمانی بر این باور است که انسان‌شناسی در ایران باید به این سؤال توجه کند که چگونه این نیروهای ویرانگر در لایه‌های مختلف و در هر موقعیتی تلاش‌ها را خنثی یا سوءاستفاده می‌کنند؟ او تأکید می‌کند: «ما جایی ضربه خوریم که به این موارد کم‌توجهی کردیم؛ نقاط مثبت را دیدیم، اما نکات منفی را کمتر دیدیم، انگار دوست نداشتیم از این چرک‌های جامعه حرف بزنیم، درحالی‌که این چرک‌ها همان جایی است که عفونت‌ها و بیماری‌های جامعه شکل گرفته و زحمات نادیده گرفته شده است. انسان‌شناسی در شرایط فعلی باید مدتی تمرکزش را روی این زخم‌ها و عفونت‌ها بگذارد تا ببیند چه اتفاقی در این جامعه افتاده است که زحمات کسانی که دهها تلاش کرده‌اند، می‌تواند نادیده گرفته یا تخریب شود.»

### روایتگر فاجعه در جامعه کیست؟

«مینو سلیمی»، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران، موضوع «انسان‌شناسی فاجعه» را محور سخنان خود قرار داد و نگاهی به ابعاد این نگرش در جامعه ایران داشت. سلیمی می‌گوید: «درک و شناخت آسیب‌پذیری و شناخت آسیب‌پذیری است و اینکه ما آسیب‌پذیری را به‌عنوان یک موضوع اجتماعی بپذیریم، هسته مرکزی انسان‌شناسی فاجعه را تشکیل می‌دهد.» او به مفهوم «سیاست‌زدگی فاجعه» اشاره و تأکید می‌کند: «فاجعه عرصه‌ای عمیقاً سیاسی است؛ یعنی پاسخ دادن به فاجعه رابطه تنگاتنگی با روابط قدرت دارد. می‌دانیم که این مسائل در جامعه امروز ایران اهمیت بالایی دارند. چگونه قدرت و سیاست؛ مدیریت و پاسخ فاجعه را شکل می‌دهند؟ بازیگران اصلی در میدان فاجعه چه کسانی هستند؟ دولت، گروه‌های محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد یا خود مردم؟ چگونه به هم وارد تقابل می‌شوند، چگونه در کنار هم قرار می‌گیرند و چگونه با یک فاجعه مواجه می‌شوند؟ در جامعه ما رابطه تعاملی برای پاسخ به فاجعه و حل فاجعه وجود ندارد.» او درباره بازخوانی فاجعه به مسئله مهمی اشاره می‌کند: «چگونه فاجعه را به‌خاطر می‌آوریم و چگونه درباره آن صحبت می‌کنیم و برای آن معنا می‌سازیم. این روایت‌ها بسیار مهم هستند. می‌دانیم که در جامعه ما روایت‌های غالب از زبان دولت‌ها و رسانه‌های رسمی نقل می‌شود و کمتر روایت‌ها با تأکید بر بازماندگان فاجعه شنیده می‌شوند. استراتژی حافظه‌ای که در ایران در مقابل فجایع شکل گرفته، به‌گونه‌ای است که روایت غالب را از زبان سیاست‌بازنمایی می‌کنند، نه زبان مردم و جامعه. تمرکز بر تاریخ شفاهی بازماندگان نداریم.» بارها در فجایع مختلف این موضوع را تجربه کرده‌ایم که روایت‌های رسمی از فاجعه تا چه اندازه متفاوت از روایت‌های مردمی است. شاید این‌هم نقطه مغفولی در علوم‌انسانی باشد و ریشه‌ها و عوامل آن نیاز به مطالعه دقیق داشته باشد که چگونه جامعه‌ای به این نقطه می‌رسد.»



### نگاه مردم‌شناسانه به مسائل ایران در سمپوزیوم «مسائل ایران و نقش مردم‌شناسی»

# درد «انسان‌شناسی فرومایگی»

ایپام ما | سمپوزیوم «مسائل امروز ایران و نقش مردم‌شناسی در حل آنها» به‌مناسبت روز ملی مردم‌شناسی و زادروز ابوریحان بیرونی در پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری برگزار شد. در این نشست پژوهشگران از زوایای مختلف مسائل روز ایران را بررسی و هر یک را از دریچه دانش مردم‌شناسی تحلیل کردند. شرایط امروز جامعه ایران و بحران‌هایی که جامعه در ابعاد گوناگون با آن روبه‌رو است، این ضرورت را ایجاد می‌کند که در حوزه علوم انسانی بیشتر و عمیق‌تر و با حساسیتی مضاعف به ریشه‌ها و تبعات و راهکارهای پیش رو در مواجهه با این بحران‌ها پرداخته شود. حوزه انسان‌شناسی و مردم‌شناسی هم یکی از حوزه‌هایی است که می‌تواند در تبیین شرایط نقش‌آفرین باشد.

در ادامه سخنانش به مطالعات «مرتضی فرهادی» و دید متفاوت او به جامعه ایران، اشاره می‌کند و می‌گوید: «او از «اقتصاد یادآورده» حرف می‌زند و توضیح می‌دهد چگونه این اقتصاد یادآورده یکسری نوآوری‌ها و پویایی‌ها را از بین برده است. فرهادی نام این رویکرد را «انسان‌شناسی توسعه‌نیافتگی» گذاشته است که به‌نظر من، می‌توان آن را «انسان‌شناسی ویرانگری» نامید. این بخش در فهم تاریخ ما مغفول مانده است.»

او در ادامه به پژوهشی در جنوب‌شرق ایران اشاره می‌کند و می‌گوید: «وقتی از آنچه «پتانسیل‌های فرهنگی» می‌نامیم حرف می‌زنیم، لایه‌ای آن می‌توانیم مکانیزم‌هایی را ببینیم که از نیروها و روندهای پنهان سخن می‌گویند که تعیین‌کننده هستند. اگر مراقب نباشیم، همین نیروها می‌توانند یک فاجعه بسازند. ما گزارشی از زاهدان تهیه کردیم. بحث این بود که چرا در زاهدان با وجود حجم بالای نیروهای خیریه‌ای و آبادگری که فعالیت دارند، همچنان شاخص‌های توسعه انسانی پایین است و تأثیر جدی دیده نمی‌شود.»

برخی از این نیروها نپاییده شده‌اند و اصحاب قدرت در لایه‌های مختلف می‌توانند با آن زندگی فرد یا عده‌ای را از بین ببرند. ما در مردم‌شناسی کمتر به این موضوعات توجه کرده‌ایم. من نام آن را می‌گذارم «انسان‌شناسی فرومایگی»؛ در متون تاریخی زیاد به آن پرداخته شده است. مثال معروفش داستان کاوه آهنگر و ضحاک است؛ وقتی ضحاک از کاوه می‌خواهد به عدالت او شهادت دهد و او نمی‌پذیرد، یک عده از درباریان هستند که به ضحاک که نماد خون‌آشامی است، می‌گویند چرا ادبش نکردی؟ چرا مجازاتش نکردی؟ این داستان که در ساختار اساطیری ما نقل شده است، نشان می‌دهد آدم‌هایی در میدان قدرت هستند که ویرانگرتر از خود شاه بد هستند. اینها معمولاً در تاریخ ما تکرار شده‌اند. برای نمونه، در داستان ابن‌مقفع، یکی از درباریان او را به‌طرز فجیعی می‌کشد؛ خود شاه نمی‌کشد. در داستان «حسنک وزیر»، هم این مسئله را می‌بینیم. فهم چنین نقاطی از تاریخ ما موضوع مهمی است؛ اینکه بفهمیم چه می‌شود که آنچه پیشینیان با رنج بسیار ساخته‌اند، ما به‌راحتی از بین می‌بریم.» او

«جبار رحمانی»، دانشیار مردم‌شناسی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، در این نشست با محور قرار دادن تبعات مثبت‌نگری در مطالعات مردم‌شناسی در ایران به تحلیل برخی مسائل مغفول‌مانده پرداخت. او در ابتدا با بیان اینکه: «مردم‌شناسی یا انسان‌شناسی علمی است برای فهم فرهنگ‌ها و درک اینکه فرهنگ‌ها چگونه کار می‌کنند تا امکان تفاهم، همدلی و هم‌زیستی فراهم شود»، رویکرد غالب در این حوزه را مورد نقد قرار داد و گفت: «اگر بخواهیم به تجربه مردم‌شناسی در ایران توجه کنیم، عمدتاً با نوعی مردم‌شناسی مثبت‌گرا مواجه هستیم، که عمدتاً بر نکات مثبت فرهنگ تأکید کرده است. در مطالعات سعی شده آنچه از سنت مطلوب است، دیده و برجسته شود. البته این خوانش انتقادی برای توسعه ایران مفید بوده، اما به‌نظر می‌رسد گاهی باید مانند یک پزشک، آسیب‌شناسی هم انجام دهیم؛ یعنی جدی‌تر ببینیم چه نیروهای ویرانگری در جامعه ایران بوده‌اند که تلاش‌های سنت و تاریخ را در لحظاتی به تاراج یا از بین برده‌اند. فهم این نیروها مهم است.»

تاب‌آوری یکی از مفاهیمی است که انسان‌شناسان فاجعه به‌صورت انتقادی به آن نگاه می‌کنند؛ چون اگر تأکید ما فقط روی تاب‌آوری باشد و انتظار داشته باشیم مردم آسیب‌دیده تاب‌آور باشند، مسئولیت آنکه دولت و نهادهای مسئول زیرساخت‌های امن در برابر فاجعه فراهم کنند، به دوش افراد و گروه‌های کوچک می‌افتد

## یادداشت

می‌تواند از رقبای منطقه‌ای چون ترکیه و امارات عقب نماند و با تکیه بر سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی خود جایگاهی ویژه در نقشه گردشگری جهان به‌دست آورد. بنابراین، مسیر پیش روی هتلداری ایران، علاوه‌بر ساختمان‌های لوکس، در خلق تجربه‌های نوآورانه و خدمات با کیفیت تعریف خواهد شد. تجربه‌ای که می‌تواند برند «همان‌نوازی ایرانی» را به یکی از ارزشمندترین دارایی‌های گردشگری منطقه تبدیل کند.



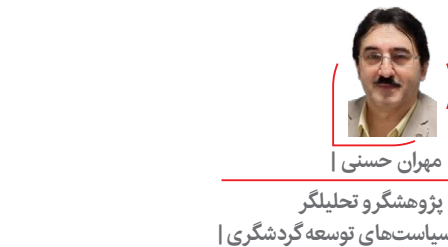
آداب ایرانی، همکاری با استارت‌آپ‌های گردشگری برای طراحی اکوسیستم‌های نوآورانه و ایجاد برند ملی هتلداری ایران برپایه «همان‌نوازی و اصالت فرهنگی»... ضروری است. آینده هتلداری ایران در گرو پیوند نوآوری و کیفیت خدمات است. نوآوری می‌تواند هتل‌ها را همگام با تحولات جهانی پیش ببرد و کیفیت خدمات، ضامن وفاداری و تبلیغات مثبت گردشگران خواهد بود. اگر این دو عنصر در راهبردهای کلان گردشگری ایران جدی گرفته شوند، کشور

# نوآوری و کیفیت خدمات دو ستون راهبردی آینده هتلداری ایران

بدون کیفیت خدمات، در بلندمدت محکوم به شکست خواهند بود. واقعیت آن است که هتلداری ایران با چالش‌هایی از جمله کمبود زیرساخت‌های فناوریانه و دیجیتال، کمبود آموزش حرفه‌ای و بین‌المللی برای کارکنان، منطبق نبودن با استانداردهای جهانی در زمینه خدمات سبز و تجربه گردشگر، تمرکز بیش‌ازحد بر ساخت‌وساز فیزیکی و غفلت از خدمات نرم‌افزاری و ضعف در بازاریابی و برندینگ بین‌المللی و... مواجه است.

در کنار چالش‌ها، ایران فرصت‌های بزرگی چون تنوع اقلیمی، فرهنگی، میراث تاریخی غنی، مهمان‌نوازی ایرانی، رشد استارت‌آپ‌های گردشگری و موقعیت ممتاز جغرافیایی را دارد. اگر این ظرفیت‌ها، در قالب نوآوری و کیفیت خدمات هدایت شوند، ایران می‌تواند به بازیگری مهم در صنعت هتلداری منطقه تبدیل شود. لذا، برای تحقق این چشم‌انداز، اقداماتی همچون سرمایه‌گذاری در هتل‌های هوشمند و دیجیتال‌سازی خدمات، آموزش و توانمندسازی کارکنان به‌ویژه با معیارهای بین‌المللی، توسعه هتل‌های سبز پایدار با بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر، بومی‌سازی خدمات براساس فرهنگ و

خدمات قابل‌جبران است. نوآوری به‌عنوان موتور محرک هتلداری نوین است و گردشگران امروز به‌دنبال تجربه‌های منحصر‌فرد هستند. فناوری‌های نوین همچون سیستم‌های هوشمند مدیریت هتل، اپلیکیشن‌های رزرو و ورود بدون کلید، اینترنت، و ربات‌های خدماتی توانسته‌اند صنعت هتلداری جهان را متحول کنند. در کنار فناوری، نوآوری در مدل کسب‌وکار و خدمات نیز اهمیت دارد. برای نمونه یک هتل در مازندران می‌تواند تجربه زندگی در جنگل‌های هیرکانی را محور قرار دهد و هتل‌های کویری بر رصد آسمان شب تمرکز کنند. این نوآوری‌های بومی، علاوه‌بر افزایش جذابیت برای گردشگران به‌ویژه گردشگران خارجی ارزش‌افزوده فرهنگی و اقتصادی نیز به‌همراه دارد. اگر نوآوری موجب جذب گردشگر شود، کیفیت خدمات عامل وفاداری او خواهد بود. پاکیزگی، رفتار حرفه‌ای کارکنان، امنیت، کیفیت غذا و پاسخگویی سریع به نیازهای مهمانان از جمله شاخص‌هایی است که در استانداردهای جهانی برای هتل‌ها تعریف شده است. تحقیقات نشان می‌دهد گردشگران بیش از هر عامل دیگری، کیفیت خدمات را معیار اصلی انتخاب و بازگشت مجدد به هتل‌ها می‌دانند. بنابراین، حتی لوکس‌ترین هتل‌ها



ایپام | مه‌رمان حسینی | پژوهشگر و تحلیلگر سیاست‌های توسعه گردشگری

صنعت هتلداری امروز دیگر صرفاً به‌معنای تأمین «محل اقامت» نیست، بلکه به بستری برای تجربه‌گری، تعامل فرهنگی و خلق ارزش‌های اقتصادی بدل شده است. در دنیای رقابتی و پرشتاب هزاره سوم، دو عامل نوآوری و ارتقای کیفیت خدمات به‌عنوان مهم‌ترین ابزار ایجاد مزیت رقابتی پایدار برای هتل‌ها شناخته می‌شود. ایران با داشتن تنوع اقلیمی، فرهنگی و تاریخی، ظرفیت‌های بی‌نظیری در حوزه گردشگری دارد، اما فاصله قابل‌توجهی میان استانداردهای جهانی هتلداری و وضعیت موجود دیده می‌شود. این شکاف تنها با تمرکز بر نوآوری‌های فناوریانه و ارتقای سطح